

تبیین نشانه‌شناسی بازار ایرانی (تبیین و ایجاد روشی برای خوانش معماری بازار)

آویده طلایی - دانشجوی دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
فرح حبیب* - استاد دانشکده هنر و معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سید مصطفی مختاباد امرئی - دانشیار دانشکده هنر و معماری، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

معماری برای بهره‌گیری از روشی برای جلوگیری از ایجاد دلالت‌های نامناسب، هویت‌های دوگانه و گسست معنا، به‌صورت گسترده دست‌به‌گریبان نظریات و مقوله‌های نشانه‌شناختی شده است. نشانه‌شناسی دانشی است که پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی (مانند معماری) را همانند یک متن می‌پندارد و روشی را جهت خوانش آن ارائه می‌دهد. خوانش نشانه‌شناختی معماری، به دنبال بازتولید طرح بر اساس ارتباط بین لایه‌ها و بر اساس برداشت انتزاعی مخاطب است. به‌منظور بررسی معنا و کارکرد بازار ایرانی که یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در شهرهای ایرانی است و دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و فرهنگی است، امکان بررسی آن در قالب رویکردهای تحلیل متن مانند زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی وجود دارد. متن بازار ایرانی دارای ویژگی‌های دلالتی است؛ به عبارتی خود متن و عوامل سازنده‌ی آن همگی دارای قابلیت تداعی معنا هستند. روش تحقیق مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است که از روش استدلال منطقی با ابزار گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است. تحقیق حاضر به دنبال تبیین و ایجاد روشی برای خوانش معماری بازار بر اساس روش نشانه‌شناسی است؛ به‌گونه‌ای که تبیین نشانه‌شناسی بازار ایرانی بتواند رویکردی جدید را جهت خوانش معماری ایرانی به‌منظور ارتقای کیفیت محیط، رقم زند. بدین منظور چهار رویکرد در این زمینه قابل‌شناسایی است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای (پیدایشی) در بین سایر رویکردهای نشانه‌شناسی (پوزیتیویستی، ساختارگرایی، پساساختارگرایی و پیدایشی) رویکرد مناسب‌تری جهت خوانش معماری بازار ایرانی است. نشانه‌شناسی لایه‌ای زمینه تحلیل گسترده متون را در بستر رابط تعاملی و چندسویه بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالتی را به وجود می‌آورد، فراهم می‌سازد. حال باتوجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد معنا در بازار ایرانی به مثابه یک متن و به عنوان بخشی از شهر با چارچوب نشانه‌شناسی لایه‌ای است، باید لایه‌های متنی آن شناسایی و نمود عینی شبکه رمزگان در یک کنش ارتباطی مشخص شود. بدین منظور برای شناسایی لایه‌های متنی بازار جهت تبیین آن؛ مفاهیم لایه‌های متنی، بافت، بینامتن، رمزگان، در این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: نشانه، نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی پیدایشی، بازار ایرانی، معنا

Explaining the Semiotics of the Iranian Bazaar (Explanation and Development of a Method to Read the Bazaar Architecture)

Abstract

Architecture to take advantage of the way to avoid making the implication inappropriate, dual identity and the separation of meanings, is widely known to create problems and cognitive symptoms categories. Semiotics is the knowledge that look like social and cultural phenomena and it offers both a way to think and a way to read. Cognitive architecture sign readings, followed by reproducing the layout based on the connection between the layers and also it is based on the abstract contact harvest. In order to examine the meaning and function of the Iranian bazaar, which is one of the most important and influential elements in Iranian cities and has multiple functions of social, economic, political, cultural, and physical possibility to check it in the form of text, such as linguistic analysis approaches. Some of the context of the use of this analytical approach, is as follows: Factors affecting measurement attach meaning, principles of coding and identification codes, creating a substantial decoding environment and creating an environment where compliance with identity. Explaining the Iranian bazaar semiotics can be a new approach to improve the quality of architectural readings to bring the improvement for the quality of the environment and this can be applied. This research intends to upgrade the quality of place, with the goal to pay off, explaining the Iranian bazaar through readings of text semiotics. In such a way that the new language in the production of form and meaning for today's architectural figure.

Keywords: Sign, Semiotics, Iranian Traditional Bazaar, Meaning

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۱۵۹۱۴۲ - ۰۲۱۸۸۵۹۱۵۳۷، رایانامه: Frh_habib@yahoo.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان، «تبیین مدل مفهومی نشانه‌شناسی لایه‌ای بازار ایرانی» که به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد تهران غرب در حال انجام می‌باشد.

بررسی دقیق‌تر آثار معماری به عنوان یک متن نشان می‌دهد، روندهایی که هم‌اکنون در طراحی بناها اتفاق افتاده است به گونه‌ای است که حمایتگری لایه‌های متنی را خدشه‌دار کرده و روند تفسیر را دچار تعلیق نموده و از این رهگذر امکان خوانش و ادراک ناظر را به دلیل هویت دوگانه، دگرگون نموده است. آنچه در میان لایه‌های متنی در معماری امروز اتفاق می‌افتد، تغییر در برخی از لایه‌ها، فارغ از ارتباط با سایر لایه‌های متنی است که به نوعی، به عدم هم‌آوایی میان لایه‌ها منجر شده و معنامندی مکان را خدشه‌دار می‌کند. با این توضیح، می‌توان گفت: «بی‌معنایی و بی‌هویتی مکان، عدم حضور و گسست معنا» در معماری امروز مسئله اساسی است. با توجه به اینکه معماری باید محصول هر جامعه و بازنمود ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی آن باشد، ضروری است تا رویکردی مطلوب به «معنامند کردن مکان و حس حضور» تدوین شود. بنابراین، معماری برای بهره‌گیری از روشی برای جلوگیری از ایجاد دلالت‌های نامناسب، هویت‌های دوگانه و گسست معنا، به صورت گسترده دست‌به‌گریبان نظریات و مقوله‌های نشانه‌شناختی شده است. نشانه‌شناسی دانشی است که پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی را همانند یک متن می‌پندارد و روشی را جهت خوانش آن ارائه می‌دهد. «به عبارتی نشانه‌شناسی روش خواندن متن است برای کشف زبان زیرین متن. درواقع نشانه‌شناسی بررسی نسبت نشانه‌ها با یک ساختار و یک زبان زیرین است. این نسبت به تولید معنی می‌انجامد. معنی در متن از درون ساختار متن شکل می‌گیرد و در خود متن، نسبت میان نشانه‌هاست که معنی یا نظام دلالتی را شکل می‌دهد» (نجومیان، ۱۳۹۴، ص ۶۰). معماری مانند یک متن، در برابر مخاطب دنیایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی می‌کند و واجد زبانی در پس پرده خویش بوده که با مخاطب به گفتگو می‌نشیند. این برداشت و بیان معنا از معماری، از ابتدای تاریخ هنر و زایش معماری به صورت‌هایی که دربرگیرنده، ایده‌های دینی، اقتباس از اسطوره‌ها، طبیعت و عناصر طبیعی در قالب شکل‌ها، نمادها، نشان‌ها و صورت‌هایی که حامل اندیشه‌ها و تفکراتی خاص بود، ظهور کرده است. پیدایش هر اثر هنری مانند معماری به منزله ایجاد یک متن بوده که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اندیشه‌ها و سنت‌ها را به همراه خود منتقل می‌کند. تولید هر متن مبتنی بر زمینه و بستر اندیشه و فرهنگ جامعه مصدر خویش است. هر متن مانند معماری محصول

۲- پایه نظری

۱-۲- پیشینه نشانه‌شناسی

یک فرآیند تولیدی است که از برهم‌کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه‌رو شدن با آن سعی دارد پیام متن را دریافت نموده و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن (معماری) می‌پردازد. با توجه به اینکه معماری بازار ایرانی (به عنوان متن) از دیرباز با تکیه بر غنای تحسین‌برانگیز در فرم و معنا حامل ارزش‌های والای معنوی بوده است؛ به گونه‌ای که این آثار در طی قرون متمادی و در دوره‌های مختلف تاریخی، با بهره‌گیری از جریان‌های فکری حاکم، به گونه‌ای متفاوت تجلی‌بخش باورهای فلسفی و اعتقادی زمان خود بوده است؛ امکان بررسی عمیق‌تر و تفصیلی‌تر را در بین آثار معماری ایران محقق می‌سازد. با توجه به مفهوم معنامندی و حس حضور در فضای بازار ایرانی رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای (پیدایشی) رویکرد مناسبی برای بررسی معماری نشاندار که به تبع آن به حس حضور می‌انجامد، است. این روش چارچوبی برای بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی معنا در اختیار قرار می‌دهد و از این رهگذر آنان را تبیین می‌نماید.

نشانه‌شناسی اگر همچون روش بررسی پدیدارها دانسته‌شود عمری طولانی دارد و پیشینه آن به رشد اندیشه‌های فلسفی و منطقی در یونان و هند باستان می‌رسد. در سده‌های اخیر بسیاری از دانشمندان علوم طبیعی بی‌آنکه در پی تحقیق مبانی کار خود برآیند از نشانه‌شناسی استفاده می‌کردند. از سال ۱۷۵۲ اصطلاح *sympomatologie* (شناخت علائم بالینی) همچون روشنگر بخشی از علم پزشکی به کار رفت که نشانه‌های بیماری را بررسی می‌کند. حدود یک‌صد سال پیش منتقدان و فیلسوف پراگماتیسم آمریکایی چارلز سندرس پیرس اصطلاح *semiosis* را به کار گرفت و آن را پژوهش نسبت میان نشانه، مورد تأویلی و موضوع دانست. پیرس در آخرین سال زندگی‌اش یعنی ۱۹۱۴ از اصطلاح *semiotics* یا نشانه‌شناسی استفاده کرد. پیش از او، این واژه یونانی را جان لاک به سال ۱۶۹۰ در پایان مهم‌ترین کار فلسفی خود یعنی رساله‌ای در پژوهش نیروی فهم آدمی به کار برده بود. نشانه‌شناسی آن‌سان که پیرس در نوشته‌های پراکنده و نامه‌هایش به کار برد، دانش بررسی تمامی پدیدارهای فرهنگی است که به نظام‌های نشانه‌شناسیک تعلق داشته باشند و به گفته‌ی اکو اثبات این

ساختار درونی نشانه	جایگاه نشانه در کلیت نظام نشانه‌ای
• الگوی دو وجهی • نشانه کلیتی از پیوند بین دال و مدلول است. • رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحاً "دلالیت" می‌نامد. • دو وجه نشانه وابستگی متقابل به یکدیگر دارند و هیچ یک مقدم بر دیگری نیستند. • مدلول سوسوری با ارجاع به واقعیت تشخیص نمی‌یابد، بلکه مفهومی ذهنی است. • مدلول شیء نیست، بلکه تصور شیء است. • در الگوی سوسور، ارجاع نشانه به یک مفهوم است نه یک شیء. • نشانه دارای ارزشی «مطلق» که مستقل از بافت آن باشد، نیست.	• نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. • ارزش نشانه، ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. • معنای نشانه‌ها، ناشی از رابطه نظام یافته آنها با یکدیگر است. • بارزهای نظام نشانه‌ای ساخت‌گرا: - هویت نسبی نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر در درون یک نظام، اصل اساسی نظریه ساخت‌گرایی است. - در تحلیل ساخت‌گرایانه، تأکید بر روابط ساختاری است. - تصور او از معنا در نظام نشانه‌ای به طور محض ساختاری و نسبی است نه ارجاعی.
• الگوی سه وجهی: نمود، تفسیر، مصداق. • تعامل بین نمود، شیء و تفسیر را پیرس "نشانگی" می‌نامد. • طبقه‌بندی سه‌گانه نشانه: نماد، نمایه، شمایل. • نقش تفسیرگر: هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و از ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد.	• این که نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای، در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه وابسته است. • نشانه‌ها را نمی‌توان بدون توجه به بافت‌های خاص کاربردشان در سه حالت فوق‌الذکر طبقه‌بندی کرد. • هرچه دال بیشتر توسط مدلول تحمیل شود، «انگیزش» نشانه بیشتر است: نشانه‌های شمایی به شدت انگیزه‌اند؛ نشانه‌های نمادین کاملاً غیرانگیزه‌اند.



مطالعاتی به نام «نشانه‌شناسی» تثبیت شده است و حجم قابل توجهی از کتاب‌های پژوهشی و مقالات تحلیلی در این حوزه نوشته شده‌اند (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۲).

مسئله دلالیت که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ مورد توجه قرار گرفت چیز تازه‌ای نبود، دو هزار سال قبل ارسطو راجع به آن صحبت کرده بود. اساساً رشته منطق هم کارش همین است و انواع دلالیت در آن بحث می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد تغییرات جدی در علوم انسانی در آن زمان در حال رخ دادن بود که موجب این توجه ویژه شد. در آن فاصله زمانی به طور هم‌زمان در سه نقطه عالم این بحث‌ها به طور جدی مورد توجه قرار گرفت بدون اینکه بتوان اثبات کرد که بین این سه نقطه ارتباطی وجود داشته است: در سوئیس (منظور اروپای غربی)، آمریکا و روسیه (تزاری)؛ جالب است که این‌ها متخصص در سه رشته مختلف از علوم انسانی بودند. در سوئیس میان زبان‌شناسان، در آمریکا میان فیلسوف‌ها و در روسیه بین متخصصین نقد ادبی. هر یک از این سه گروه داستان مجزایی دارند و هر کدام به یک دلیل درگیر مسئله دلالیت و نشانه شدند. شخصیت‌های

نکته است که «فرهنگ در بنیان خود ارتباط است». پیرس و چارلز ویلیام موریس که کوشید کار او در زمینه نشانه‌ها، به‌ویژه در گستره رفتارگرایی دنبال کند، بر این باور بودند که دامنه نشانه‌شناسی بسیار گسترده است، ارتباط به‌گونه‌ای کلی را در برمی‌گیرد و هر چیز که «دلالیت بر چیزی دیگر کند»، در قلمرو آن جای خواهد داشت.

اندیشمند دیگری که در زمینه نشانه‌شناسی مباحث ارزشمندی طرح کرد زبان‌شناس سویسی لویی فریدینان دو سوسور بود که درس‌هایش را در مکورد زبان‌شناسی، شاگردانش پس از مرگ او به سال ۱۹۱۶ منتشر کردند و به آن‌ها عنوان درس‌هایی در زبان‌شناسی همگانی دادند (احمدی، ۱۳۹۳، ص ۷). سنت نشانه‌شناسی سوسوری توسط اندیشمندانی چون یلمزلف، یاکوبسن، بارت، کریستوا و بودریار ادامه پیدا کرد، و راه نشانه‌شناسی پیرسی را نیز متفکرانی چون موریس، ریچارد آگدن، سبثوک و دیگران ادامه دادند و نشانه‌شناسانی چون اکو نیز از دستاوردهای هر دو شاخه عمده نشانه‌شناسی در تحلیل‌های خود بهره گرفتند و سرانجام همان‌طور پیش‌بینی شده بود امروز دیگر حوزه‌ای

جدول ۲. مقایسه نشانه از دیدگاه پیرس و سوسور؛ ماخذ: ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۵۱.

اشتراکات	افتراقات
نمود کم و بیش مشابه دال، سوسوری است و تفسیر نیز بی‌شبهت به مدلول، سوسوری نیست. چه در الگوی دو وجهی و چه در الگوی سه وجهی، نقش تفسیرگر مورد توجه است. در واقع هیچ‌گاه نمی‌توان کاربران نشانه‌ها را از نشانه‌ها و از ارجاعات نشانه‌ها جدا کرد. مرز قاطعی بین نشانه‌های نمادین و آن دو نوع دیگر نمی‌توان کشید. و باید این نکته را به خاطر داشت که این سه مقوله از نشانه‌ها الزاماً مقوله‌های قطعی و قطبی نیستند و در نوعی رابطه پیوستاری با یکدیگر قرار دارند.	در الگوی پیرس شاهد وجود ابژه یا چیزی شبیه مصداق هستیم که در الگوی سوسوری جایی به آن داده نشده است. پیرس و سوسور واژه "نماد" را به دو معنی متفاوت به کار می‌برند. از دید پیرس نماد نشانه‌ای است که به موجب یک قانون بر ابژه خود دلالت می‌کند و قراردادی است. اما سوسور معتقد است نمادها، ترکیب‌بندی‌های قراردادی و تهی نیستند، آنها دست‌کم نشانی از ارتباط طبیعی را با خود دارند. ارتباطی طبیعی بین دال و مدلول که سوسور آن را "عقلانی" نامیده است.

کلیدی در علم نشانه‌شناسی:

۱. «فردینان دوسوسور»: که پدر زبان‌شناسی نوین هم هست. در مقایسه با زبان‌شناسی، حجم بسیار کمتری از تألیفاتش را به نشانه‌شناسی اختصاص داده است.
۲. «چارلز سندرز پیرس»: آثار گسترده‌ای در زمینه فلسفه دارد. او در راستای شکل دادن به یک منطق جدید برای کاربردهای فلسفی به این سمت آمد و در لابه‌لای درس‌های فلسفه‌اش به این مباحث می‌پردازد. تا هم‌اکنون هم بر سر این مسئله که پدر نشانه‌شناسی پیرس است یا سوسور اختلاف وجود دارد.
۳. در حوزه روسیه با دو شخصیت روبرو هستیم:
۴. «آندری بلی»: متخصص نقد ادبی است. در این زمان دو مکتب بسیار معروف در روسیه به وجود آمدند که این مباحث در رابطه با آن‌ها شکل گرفت: فرمالیسم (شکل‌گرایی) روسیه و سمبولیسم (نمادگرایی) روسیه؛ و اولین کتاب مستقل در حوزه نشانه‌شناسی توسط او تألیف می‌شود.
۵. «گوستاو اشپت»: یک تنوریسمین فلسفه در قرن ۲۰ شناخته می‌شود، شاگرد مستقیم هوسرل است، در فنونولوژی و هرمنوتیک شخصیت شناخته‌شده است. به دلیلی شبیه پیرس درگیر این موضوع شد (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۷۸).

۲-۲ نشانه‌شناسی^۵

نظریه زبان‌شناسی پارادایمی مهم در تجزیه و تحلیل

1. Ferdinand de Saussure
2. Charles Sander Peirce
3. Andrey Bely
4. Goustav Shpet
5. Semiotics-Semiology

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۱۹۲

دغدغه عمومی پسامدرن است: خلق و دریافت معنا. نشانه‌شناسی و به‌خصوص ساختارگرایی به این موضوع می‌پردازند که زبان چگونه ارتباط برقرار می‌کند، و چگونه می‌توان آن را به‌صورت یک نظام بسته ادراک کرد. ذلعم نشانه‌شناسی که اصطلاح برگزیده «چارلز سندرس پیرس»^۶ است، یا نشانه‌شناسی اصطلاح منتخب فردینان دوسوسور^۷، رویکردی علمی به زبان دارد و آن را نظامی از نشانه‌ها و اجزای آن (دال و مدلول) را به هم پیوند می‌دهند و مابین نشانه‌ها روابط نحوی^۸ وجود دارد. روابط معناشناختی^۹ به معناها می‌پردازند، یعنی به روابط میان نشانه‌ها و ابژه‌هایی که بر آن‌ها دلالت می‌کنند. بررسی‌های مقدماتی پیرس و سوسور متعلق به اواخر قرن نوزدهم، در اوایل قرن بیستم اصولی را بنیان نهاد. درس گفتارهای سوسور در باب نشانه‌شناسی که در اصل طی سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۱۱ ارائه شدند، به سال ۱۹۵۹ از زبان فرانسوی به انگلیسی ترجمه شد و باعث اقبال جدیدی به کار وی شد. نظریه‌پردازان این حوزه، تعاریف مختلفی از نشانه‌شناسی ارائه داده‌اند که به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱. آشکارا به گمان سوسور «نشانه‌شناسی فقط در زمینه‌ی نظام‌های قراردادی ارتباط کارایی دارد».
۲. پیرس، «نشانه‌شناسی را نظریه شبه ضروری می‌دانست زیرا مشخصات، نشانه‌هایی را که ذهن از طریق تجربه به دست می‌آید، روشن می‌کند» (Peirce 1931-1935, Vol. 2:227).

۳. یکی از عام‌ترین تعریف‌ها از امبرتو اکو^{۱۰} است که می‌گوید:

6. Charles Sander Peirce
7. Ferdinand de Saussure
8. Syntactic
9. Semantic
10. Umberto Eco

تمایزات بنیانی در شکل گیری انواع رمزگانها		
شاخص های عملیاتی رمزگان های اجتماعی	شاخص های عملیاتی رمزگان های زیبایی شناسی	- دلالت تصریحی (عینی) - نشانه تک معنا - فراگیری زیاد (استفاده توسط کاربران بیشتر) - دقیق تر - ارزش نشانه محدود (به تناسب کاربران تنوع معنای کمتر) - واجد ساختار مشخص (تعریف شده) - انگیزتگی (رابطه بارز بین دال و مدلول) ○ انگیزتگی درونی (هماندی در محتوی) ○ انگیزتگی بیرونی (هم شکلی در صورت) - رمزگشایی آسان تر
		- دلالت تلویحی (ضمنی - ذهنی) - نشانه چند معنا - فراگیری کم (استفاده توسط کاربران کمتر) - مبهم تر - ارزش نشانه نامحدود (به تناسب کاربران تنوع معنای بیشتر) - چند ساختاری (عدم وضوح در ساختار) - غیر انگیزتگی (ارتباط چندگانه بین دال و مدلول) - رمزگشایی دشوارتر
ماهیت: فرد توسط نشانه، هویت و تعلق خود را به گروه یا سازمانی مشخص می نماید، اما در عین حال او هم حامل نشانه است و هم جوهرش و آن را نهادینه می کند. تفوق در دلالت های ارتباطی انسان با انسان. نشأت گرفته از تجربه منطقی و احساسی. دامنه کاربرد: برای سازمان بندی جامعه و سازمان دلالتی آن به کار می روند. انواع رمزگان های اجتماعی: نشانه های هویت (نشان ها و شاخص ها) و ارتباطات اجتماعی که بی شمارند: آیین ها، جشن ها، مراسم، میثاق ها، رمزگان های ادب و بازی ها، ...	ماهیت: غالباً منش شمایی دارند، با آفرینش همراهند (قدرت آفرینندگی بالا)، نشأت گرفته از تجربه احساسی. تفوق در دلالت های ارتباطی انسان با محیط و طبیعت. دامنه کاربرد: هماهنگ کردن کنش ها، تنظیم حرکات جمعی در افراد جامعه، انتقال اطلاعات و فرمان ها، بازنمایی ساختار عینی یک واقعیت پیچیده. انواع رمزگان منطقی: نظام های علامتی، قوانین، برنامه های آموزشی و ...	



فرزان سجودی «نشانه شناسی را به مثابه ی حوزه مطالعاتی می داند که ممکن است در جستجوی طرحی برای تبیین کارکرد رمز، نشانه و تجلی مادی آن، یعنی متن ما را به پاسخ های قابل قبولی هدایت کند» (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۷). پاکتچی می گوید: نشانه شناسی به عنوان دانشی جهانی به همان اندازه که با زبان شناسی خویشاوند است با مطالعات ادبی و هنری نیز خویشاوندی دارد (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۹).

۲-۳ کاربرد نظریه نشانه شناسی در سایر رشته ها

کاربرد نظریه نشانه شناسی در دهه ۱۹۶۰ رواج یافت و به خصوص در امریکای شمالی و جنوبی، فرانسه و ایتالیا مورد استفاده گسترده قرار گرفت. پس از آن که مفاهیم نشانه شناسی بازشناسی شدند، نشانه شناسان با این دیدگاه به سراغ نظام های نشانه ای دیگر رفتند تا با این ابزار به مطالعه نظام های مختلف پردازند. نشانه شناسی به طور کل ورود خود را به حوزه های فرهنگی مدیون رولان بارت است. امروزه نظام های نشانه ای زیادی از رویکرد نشانه شناسی مطالعه شدند در این میان می توان به دسته بندی کلی زیر اشاره کرد: «نشانه شناسی زیستی، نشانه شناسی کامپیوتر،

«نشانه شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد» (اکو، ۱۹۶۷، ص ۷).

۴. «دانیل چندلر» در کتاب مبانی نشانه شناسی این گونه تعریف می کند: «نشانه شناسی در اشکال فراوان با تولید معنا و بازنمایی ارتباط دارد».
۵. «رولان بارت» می گوید: «نشانه شناسی در پی بررسی عمومی نظام های نشانه ای علمی است که جوامع ما را سامان می دهند».

۶. «گیرو»^۲ نشانه شناسی را این گونه تعریف می کند: نشانه شناسی علمی است که به مطالعه نظام های نشانه ای نظیر زبان ها، رمزگان ها، نظام های علامتی و غیره می پردازد (گیرو، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷).

امیرعلی نجمیان نشانه شناسی را این گونه معرفی می کند، «نشانه شناسی روش خواندن متن است برای کشف زبان زیرین متن. پس نشانه شناسی بررسی نسبت نشانه ها با یک ساختار و یک زبان زیرین است. این نسبت به تولید معنی می انجامد» (نجمیان، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

1. Daniel Chandler
2. Roland Barthes
3. Pierre Guiraud

جدول ۴. نظرات مختلف نشانه شناسان درباره نشانه شناسی؛ مآخذ: نگارنده، ۱۳۹۵، بر اساس یافته های تحقیق.

نظریه پردازان داخلی و خارجی	تعریف نشانه شناسی
سوسور	نشانه شناسی فقط در زمینه ی نظام های قرار دادی ارتباط کارآیی دارد.
پیرس	نشانه شناسی را نظریه شبه ضروری می دانست زیرا مشخصات، نشانه هایی را که ذهن از طریق تجربه به دست می آید، روشن می کند.
امبرتواکو	نشانه شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سر و کار دارد.
دانیل چندلر	نشانه شناسی در اشکال فراوان با تولید معنا و بازنمایی ارتباط دارد.
رولان بارت	نشانه شناسی در پی بررسی عمومی نظام های نشانه ای علمی است که جوامع ما را سامان می دهند.
گیرو	نشانه شناسی علمی است که به مطالعه نظام های نشانه ای نظیر زبان ها، رمزگان ها، نظام های علامتی و غیره می پردازد.
امیر علی نجمیان	نشانه شناسی روش خواندن متن است برای کشف زبان زیرین متن.
فرزان سجودی	نشانه شناسی را به مثابه ی حوزه مطالعاتی می داند که ممکن است در جستجوی طرحی برای تبیین کارکرد رمز، نشانه و تجلی مادی آن، یعنی متن ما را به پاسخ های قابل قبولی هدایت کند.
پاکتچی	نشانه شناسی به عنوان دانشی جهانی به همان اندازه که با زبان شناسی خویشاوند است با مطالعات ادبی و هنری نیز خویشاوندی دارد.

محصول دانش است.

۲-۴ عناصر نظام نشانه ای

یک نشانه در فرآیند تولید یا تکالیف خود نیازمند وجود عناصری است که در نشانه شدن یک نشانه ضرورت دارند. گاه حذف یکی از این عناصر می تواند به ایجاد یک نشانه خاص با مشخصات خاص بیانجامد، اما در حالت کلی وجود این عناصر برای نشانه ضروری به نظر می رسد. این عناصر به وجود آورنده ماهیت یک نشانه هستند و نباید با شکل یا مفهوم نشانه اشتباه شوند. مشخصات دال و رابطه دلالت در بحث عناصر نشانه مدنظر نیست. آنچه در اینجا اهمیت دارد، ضروریاتی است که وجود نشانه را رقم می زند. این عناصر می تواند به: پیام، زمینه، رسانه، فرستنده، گیرنده، رمز باشند.

۲-۵ گذر از مفهوم نشانه به متن

در رویکردهای اخیر نشانه شناسی برخی از مفاهیم مانند مفهوم نشانه مورد بازبینی قرار گرفته است؛ و با انتقاداتی به مفهوم نشانه در رویکردهای ساخت گرا به عنوان مفهوم تحلیلی تبدیل شده است. به عبارتی در این دیدگاه، در هر حال ابتدا، تحلیلگر با متن روبه رو می شود نه با نشانه و سپس برای تحلیل متن ممکن است به ابزاری به نام نشانه و چگونگی هم نشینی آن با نشانه های دیگر در نظام های نشانه ای دیگر

نشانه شناسی سینما، نشانه شناسی موسیقی، نشانه شناسی عکاسی، نشانه شناسی بصری، نشانه شناسی سیستمی، نشانه شناسی ریاضی، نشانه شناسی متنی، نشانه شناسی رسانه، نشانه شناسی تبلیغات، نشانه شناسی اخلاق، نشانه شناسی آموزش و غیره».

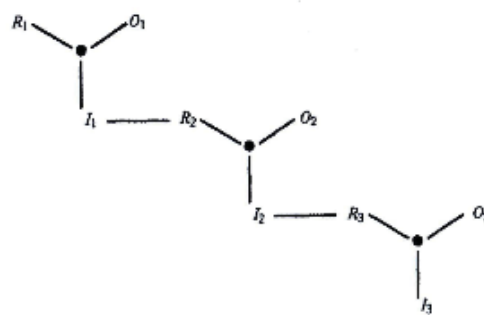
هدف از مطرح کردن این دسته بندی ها، نشان دادن گسترده نشانه شناسی و نفوذ آن به حوزه های دیگر است (غفاری، ۱۳۹۴، ص ۴۳). امبرتو اکورمان نویس، منتقد و نشانه شناسی مطالبی را در مورد معماری در مقام نظام نشانه شناختی دلالت نگاشته است. «اکو» در «عملکرد و نشانه: نشانه شناسی معماری» بیان می کند که نشانه شناسی معماری (تکواژه ها) عملکردهایی ممکن را از طریق نظامی از قراردادهای یا کدها به هم مرتبط می سازند و انتقال می دهند. در پژوهش نشانه شناختی مهمی که تحت عنوان «درباره خواندن معماری» (۱۹۷۲) در مجله تخصصی و پررونق «پروگریسو آرکیtekچر» ۲ منتشر شد، «ماریو گاندلسوناس» به مقایسه کار «آیزنمن» که دارای ساختاری نحوی است با کار «گربوز» که بار معناشناختی دارد، پرداخت. در کل، نظریه و کارهای حرفه ای اگرست و گاندلسوناس تحت تأثیر زبان شناسی است و آن ها در نشانه شناسی به دنبال روشی در خواندن معماری اند که

1. Umberto Eco
2. Progressive Architecture

۳. توجه به این مسئله که نشانه منفرد وجود ندارد. برای مثال اکودر این زمینه، از مفهوم نقش نشانه‌ای، ناپایداری نشانه و زایایی نشانه کمک می‌گیرد (اکو، ۱۹۷۹، ص ۴۹، نقل از سجودی، اکو، ۱۳۸۷، ص ۹).

۲-۶ متن

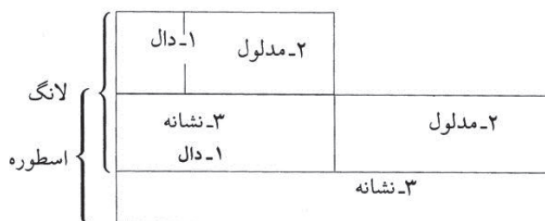
مفهوم متن در دل دوگانه‌ی سوسوری لانگ (نظام زبان) در برابر پارول (به اصطلاح گفتار) نهفته و در انتظار بسط و گسترش بوده است. سوسور خود آنجا که مفاهیم لانگ (زبان) و پارول (گفتار) را از هم متمایز می‌کند درباره‌ی لانگ می‌گوید که «زبان [لانگ] در جوهر خود اجتماعی و مستقل از فرد است... اما گفتار [پارول] حاصل جمع آن چیزی است که مردم می‌گویند و دربرگیرنده‌ی... ترکیبات فردی [است] که وابسته به اراده‌ی سخن‌گوست» (سوسور، ۱۳۷۸، ص ۲۸). روشن است که گفتار [پارول] این‌گونه که سوسور مطرح می‌کند می‌تواند به شکل‌گیری مفهوم متن بیانجامد؛ هرچند سوسور خود از دو نوع زبان‌شناسی، یعنی زبان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی گفتار سخن می‌گوید و راه نخست را در مطالعات خود برمی‌گزیند (همان، ص ۳۰).



نمودار ۱. مراحل تبدیل هر تفسیر به بازنمایی جدید؛ ماخذ: merrel, 1997 بنقل از بانی دباغ و مختاباد امرئی، ۱۳۹۰، ص ۶۳.



نمودار ۲. عناصر نظام نشانه‌ای؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۵.



نمودار ۳. معنای اطوره‌ای، دال و مدلول در نشانه‌شناسی، ماخذ: روشن، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱.

متوسل شود. برخی از مهم‌ترین انتقاداتی که به مفهوم نشانه وارد می‌شود عبارت‌اند از (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۹۴):

۱. ضرورت نیاز به طرحی که کاربرد ارتباطی و دلالتی نشانه‌ها را از منظر نظام‌های متکثر چندبعدی دخیل در دلالت ببیند؛

۲. نادیده انگاشته شدن عوامل متفاوت اجتماعی و عوامل بافتی در هر ارتباط اعم از نوشتاری، گفتاری و تصویری، یا به عبارتی نادیده انگاشتن عامل انسانی و در نتیجه نادیده گرفتن بسیاری از لایه‌های فرهنگی و اجتماعی دخیل در کار دلالت در دستگاه‌های نشانه‌ای (اکو، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۲-۶-۱ متن از دیدگاه ساختگرایان

از همان زمانی که سوسور در دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی بین لانگ (نظام زبان) و پارول (تجلی فردی آن نظام در قالب گفتار) تمایز قائل شد، به‌طور ضمنی مفهوم متن از منظری ساخت‌گرایانه شکل گرفت. سوسور می‌نویسد، با تمایز بین زبان در نفس خود [لانگ] و گفتار [پارول]، ما هم‌زمان بین آنچه اجتماعی است و آنچه فردی است و آنچه اساسی است و آنچه فرعی و کم‌ویش تصادفی است، تمایز قائل شده‌ایم (سوسور ۱۹۸۳ [۲۰۰۵]، ص ۱۴). ساختگرایان فرانسوی، بخصوص آرای تودوروف، گرماس، بارت اولیه و دیگران از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد و البته تحت تأثیر صورت‌گرایان روس، بخصوص پراپ و اثر معروف او ریخت‌شناسی قصه‌های پریان (۱۹۲۸ [۱۹۶۸]) و همچنین زبان‌شناسی سوسوری تا مدت‌ها بر محافل فکری جهان مسلط بود. ساختگرایان معتقد به وجود دستورهای بنیادی بودند و متونی که مطالعه می‌کردند در اصل حکم پیکره‌ی پژوهشی را داشتند برای دستیابی به اصول و قواعد بسیار عام ناظر بر شکل‌گیری آن‌ها، یا همان دستورهای بنیادی؛ به عبارت دیگر آن‌ها نیز از این جهت به پیروی از سوسور معتقد بودند که انبوه

پدیده‌های به اصطلاح روساختی در اصل به واسطه‌ی وجود ساختارهای بنیادی، زیرساختی، قاعده‌مند و نسبتاً ساده ممکن و قابل ادراک می‌شوند. ساختگرایی وظیفه‌ی خود را در مطالعه‌ی متن از یک سو دستیابی به آن‌ها ساختارها و قواعد ناظر بر آن‌ها می‌داند و از سوی دیگر پس از ارائه‌ی تصویری از آن دستور بنیادی حاکم بر چنین ساختارهایی، متن را مطالعه می‌کند تا عملکرد آن ساختارها و دستورها را نشان دهد. در نظر ساختگرایان، متن بازتاب و حوزه‌ی عملکرد ساختارهای بنیادی است و درواقع مطالعه‌ی متن برای آنان و نظرشان در باب متن افزوده‌ای است بر وظیفه‌ای اصلی‌تر یعنی مطالعه‌ی ساختارها دارای چه ویژگی‌هایی هستند و دستورهای ناظر بر آن‌ها چگونه تدوین می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). ساختارگرایان متن را دارای معانی ثابت و پایدار می‌دانستند از دیدگاه آنان متن دارای ساختاری غیرقابل تفسیر است و فهم متن با نظام حاکم بر آن صورت می‌گیرد برای درک معنای متن باید ساختار و نظام حاکم بر نشانه‌های آن را دریافت. ساختارگرایان بر این باور بودند که به کمک زبان‌شناسی به ساختار نهایی متن خواهند رسید. ذهن خواننده یا مفسر متن در جهت دریافت پیام متن کمکی به مفسر نخواهد کرد باید نظام حاکم بر متن را شناخت از راه بررسی نظام نشانه‌ها رمزها و قوانین حاکم بر متن شناسایی می‌شود و متن رمزگشایی می‌شود ساختارگرایان اطمینان داشتند که با این روش به کشف حقیقی رسیده‌اند آنان نیز همانند فرمالیست‌ها شیوه‌ی خود را علمی قلمداد کردند و در نظریات خود تأکید کردند که روش علمی که در اختیاردارند به کشف حقیقت جهان منجر خواهد شد. «در دیدگاه ساختگرایی نسبت به متن مسئله‌ی زمان، تاریخ و تاریخ‌مندی فرهنگ و زبان در نتیجه کثرت و تفاوت‌های ناشی از این تاریخ‌مندی و وجه در زمانی و قومی فرهنگ و متونی که در هر فرهنگ تولید شده و می‌شود نادیده گرفته می‌شود و تمایز فقط در سطح ساختاری جهانی، غیر تاریخی، غیر فرهنگی، همه‌زمانی و همه مکانی دیده می‌شود» (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

با بررسی آرای اکو در باب بنیان‌های نشانه‌شناختی تأویل مشخص می‌شود که متن از چشم‌انداز وی به مثابه‌ی بافتی تلقی می‌شود که در آن نشانه‌های متعددی تنیده شده است؛ بنابراین در جهان متن، برخورد این نشانه‌ها با یکدیگر موجب پدید آمدن نظامی گشوده و تأویل‌پذیر می‌شود. همچنین آنچه موجب تأویل‌پذیری اثر می‌شود، تعامل خواننده با متن و درگیری آگاهانه و هوشمندانه‌ی وی

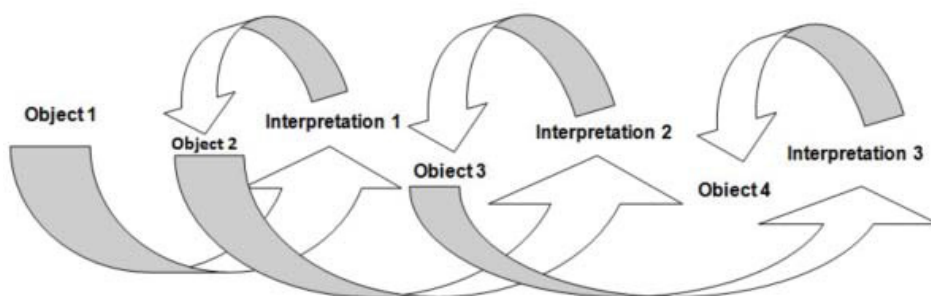
با امکانات نشانه‌شناختی متن است. اکو در راستای اثبات چگونگی این فراشد، نخست، به عنوان یک ساختارگرا می‌کوشد با استخدام الگوی یلمسلف به تبیین این نکته بپردازد که بسط دامنهی معانی محتمل در یک نشانه تنها در صورتی توجیه‌پذیر و علمی است که سطح محتوی و بیان به‌طور هم‌زمان در انگیزش معانی دخیل باشند و انتصاب این فراشد به سطح بیان، چنانچه گرماس به آن قایل شده است، موجب رؤیایی با تداعی‌هایی خواهد شد که اساساً ارتباطی مؤثق با نشانه نخست ندارند؛ بنابراین در تأویل‌هایی که بر این قبیل تداعی‌ها استوارند از اصل ارتباط عدول می‌شود. اکو در ادامه‌ی فعالیت‌های فکری خود با روی آوردن به نشانه‌شناسی پرس و توجه خاص به مؤلفه، تفسیر، به «معنا پردازی نامحدود» در فرآیند نشانگی قایل می‌شود؛ و بر اساس این اصل می‌کوشد وجه تفسیری نشانه را به عنوان رویکردی خاص در تبیین تأویل به کار ببرد؛ همان‌طور که پرس معتقد است که هر تفسیری می‌تواند به عنوان نشانه‌ای دیگر در مرتبه بعد وارد چرخه نشانگی شود، اکو نیز با بسط منطقی این حکم به حوزه متن، به نوعی «تأویل‌پذیری نامحدود» قایل می‌شود. البته بر اساس این نگرش، اگرچه ممکن است به تأویل‌های بی‌شماری در خوانش متن قایل شد، اما آنچه موجب می‌شود اکو از تأویل افراطی فاصله بگیرد، این تلقی بنیادی اوست که تأویل از دیالکتیک خواننده با متن شکل می‌گیرد و خواننده در حین خواندن متن، در عین آزادی، باید به امکانات نشانه‌شناختی متن وفادار بماند؛ در غیر این صورت تأویل وی نمونه‌ای از تأویل ناموجه به شمار می‌رود که بیشتر متوجه «کاربرد» است تا «تأویل». اکو به این نتیجه می‌رسد که گفتمان غالب بر متن موجب پدید آمدن نوعی انسجام در متن می‌شود؛ این انسجام به‌خودی‌خود دامنهی تأویل‌هایی که با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متن بیگانه‌اند، تقلیل می‌دهد.

۲-۶-۲ متن از دیدگاه پساساختگرایان

پساساختگرایی که بیشتر بر مبنای اندیشه‌های دریدا و بارت متأخر در دهه‌ی ۱۹۶۰ و پس از آن شکل گرفته است با واردکردن مفهوم متن در مقابل اثر و مفاهیم نوشتار و تمایز و تعویق و انتشار و طرح مجدد مفهوم زمان و مرکزگیری متن را به قلمروی باز و فور و کثرت معناهایی تبدیل می‌کند که پیوسته به تعویق می‌افتند، هرگز قطعیت نمی‌یابند و به همین جهت شور دریافت آن‌ها هرگز ارضا نمی‌شود. «متن کانون



نمودار ۴. بازنمایی مفهوم نشانه‌ها در شهر، ماخذ: ماجدی و زرابادی، ۱۳۸۹، ص ۵۵.



نمودار ۵. معنای سیال در متن معماری؛ ماخذ: دباغ و مختاباد، ۱۳۹۰، ص ۶۹.

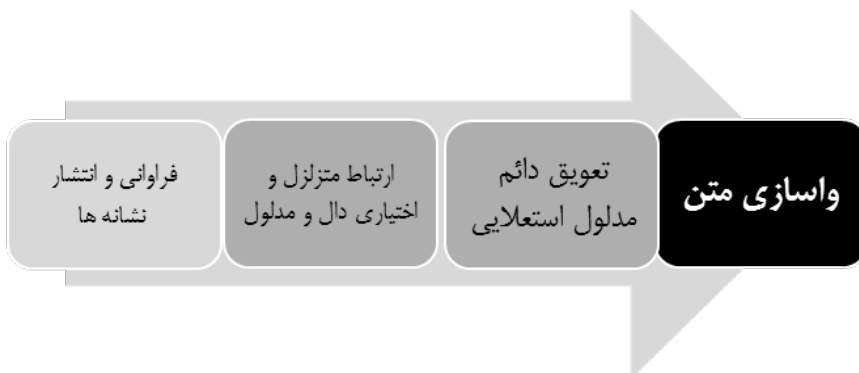
به‌عنوان فرآیندی که همیشه درون متن در کاراست (و نه کاربست الگوهایی بیرون از متن) سخن می‌گوییم، درواقع به نقش‌واساز نشانه در زبان اشاره می‌کنیم. به‌بیان دیگر، ماهیت‌واساز درون‌متن شبیه حالتی است که نشانه‌ها کاربرد خود را در متن‌واسازی می‌کنند؛ بنابراین، هیچ روش‌واسازی برای نقد متن وجود ندارد. در عوض، ما به دنبال کردن سرنخ‌هایی که از طریق آن‌ها نشانه‌ها برای و علیه ساختار زبان‌شناختی در کارند، در عمل متن را واسازی می‌کنیم.

۷-۲- نشانه‌شناسی روشی برای خوانش متن

متن و متن‌گونگی، در تمام زمینه‌هایی که مخاطب با خوانش پدیده‌ها مرتبط بوده، جاری است. مخاطب در خوانش پدیداری‌های اجتماعی (مانند معماری)؛ با محصولی چندوجهی و چندمتنی و فاقد معنایی مواجه می‌شود که آن محصول دربردارنده مجموعه‌ای از معانی و قرائت‌هاست (غفاری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱). در هر کنش و ارتباط اجتماعی، در حال تولید و بازآفرینی متن هستیم. معماری نیز به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای در فراشد ارتباط میان انسان‌های جامعه، خود را بیان می‌کند. هر متن اجتماعی (مانند معماری) حامل پیام و یا مجموعه‌ای از «رمزگان»^۲ بوده

و فور معنا تلقی می‌شود و امکان خوانش‌های متفاوت را فراهم می‌کند. این فور منشأ در نوع نگاه پس‌اساخت‌گرایان به زبان و البته فنون بلاغی دارد. فراموش نکنیم که از دید پس‌اساخت‌گرایان واقعیت بیرون از زبان و در حکم چیزی اصیل وجود ندارد بلکه مفهومی برساخته و زبانی است و در نتیجه پویا و ناپایستا و دگرگون‌شونده است. پس معنا نیز پیوسته در سیلان است و به تعویق می‌افتد» (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). نجومیان سه کنش درون‌متن را که به واسازی متن می‌انجامد به شرح ذیل بیان می‌کند:

۱. فراوانی و انتشار نشانه‌ها: ما همواره شاهد زایش نشانه‌ها هستیم. این زایش به‌واسطه عدم قطعیت معنا ایجاد می‌شود که خود نتیجه تعلیق نسبت میان دال و مدلول است.
 ۲. ارتباط متزلزل و اختیاری دال و مدلول: نقش کاربردی، موقت و ناپوشان دال و مدلول همواره در متن قابل تشخیص است.
 ۳. تعویق دائم مدلول استعلایی: متن همواره ما را به‌سوی مدلولی نهایی سوق می‌دهد ولی حصول آن را به تعویق می‌اندازد.
- به گمان نجومیان، زمانی که ما از استراتژی واسازی



نمودار ۷. کنش‌های درون متن که به واسازی متن می‌انجامد؛ ترسیم نگارنده بر اساس نجومیان، ۱۳۹۴

که به وسیله روابط دلالتی و روابط «درون متنی»^۱ به مخاطب انتقال داده می‌شوند (غفاری، ۱۳۹۵، ۳۴۱) مخاطب نیز با توجه به شبکه شکل دهنده متن و لایه‌ها و روابط درون متنی و از طریق قراردادهای اجتماعی، فرهنگی، برداشت‌های ذهنی، نوع و زاویه نگاه خود به دریافت، رمزگشایی و معنا سازی برای متن همت می‌گمارد. بنابراین هر متن یک «نظام دلالتی» را به روی مخاطب می‌گشاید و هر کدام از اجزاء در کنار اجزاء دیگر درون نظام تعریف می‌شود. پس هر کدام از اجزاء نشانه ایست که مخاطب را به تولید و بازتولید متن دعوت می‌کند. در حقیقت هر متن شبکه‌ای از نشانه‌هاست. و نشانه‌ها به طور مجرد واجد معنایی خاص نیستند و در ساختار متن هویت و دلالتگری خود را می‌یابند. در نتیجه دانشی به نام نشانه‌شناسی به منظور شناخت، تفسیر و یافتن معنا در متن به میان می‌آید.

۴- روش و رویکرد تحقیق

به منظور بررسی معنا و کارکرد بازار ایرانی که یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در شهرهای ایرانی است و دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و فرهنگی است، امکان بررسی آن در قالب رویکردهای تحلیل متن مانند زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی وجود دارد. برخی از زمینه‌های استفاده از این رویکرد تحلیلی بدین شرح است: سنجش بررسی عوامل مؤثر بر پیوست معنا، اصول کدگذاری و شناسایی کدها، ایجاد محیط قابل رمزگشایی و خلق محیط منطبق با هویت. در ادامه رویکرد نشانه‌شناسی مقبول در بررسی بازار ایرانی تبیین می‌شود. چهار رویکرد در این زمینه قابل شناسایی است: رویکرد

پوزیتیویستی، ساختارگرایی^۲، پساساختارگرایی^۳ و پیدایشی. استفاده از روش‌های پوزیتیویستی در نشانه‌شناسی با توجه به ماهیت پیچیده بازار نامناسب است. این روش بیشتر در بررسی مسائل طبیعی و نه اجتماعی کاربرد دارد. از آنجاکه بازار ایرانی در زمینه و یا بافت معنا و مفهوم می‌یابد، نمی‌توان آن را در قالب یک الگوی تک‌نشانه‌ای بررسی کرد. رویکرد نشانه‌شناسی ساخت‌گرا نیز رابطه بین نشانه‌های متن را بررسی می‌کند و منطق‌های ساختاری آن را به دست می‌آورد؛ به عبارتی، تحلیل نشانه شناختی ساخت‌گرایانه با بازشناسی واحدهای تشکیل دهنده یک نظام نشانه‌ای و تعیین روابط بین واحدها سروکار دارد. از آنجایی که این رویکرد مطالعه ساختار و قواعد شکل دهنده یک متن را تحلیل می‌کند، نمی‌تواند برای این بررسی مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین نقد به این رویکرد توجه نکردن به زمینه‌ای است که معماری و شهرسازی در آن قرارداد. نظریه پساساختارگرا و پیشینه آن در ساخت‌گرایی بر نوعی رویکرد زبان بنیاد و متن بنیاد استوار است که بازی معانی و ناستواری و عدم قطعیت آن را بیرون از اراده اذهان و نیت سوژه‌ها (اعم از مؤلف یا مخاطب) و در اختیار نظام زبان می‌داند. پساساخت‌گرایی در برخورد با متن و دلالت نشانه‌ها در متن از سوی دیگر بام ساخت‌گرایی فرومی‌افتد، اما باید توجه داشت که در عمل پیوسته قاب‌هایی بر حدود دلالت در کنش ارتباطی نظارت می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۸، ص ۹۸).

بنابراین رویکرد چهارمی نیاز است. از دید این رویکرد- نشانه‌شناسی پیدایشی- در عمل ارتباط، پیوسته قاب‌هایی بر حدود دلالت در کنش ارتباطی نظارت می‌کنند. لایه‌های متن یکدیگر را به لنگر می‌کشند، این قاب‌ها را شاید بتوان

2. Structuralism
3. Post-Structuralism

1. Intra textuality

قاب‌های گفتمانی نامید. بدون تردید روابط بین لایه‌های متن، منجمد و تقلیل پذیر به ساختارهای همه‌زمانی و همه مکانی، آن‌طور که مورد نظر ساخت‌گرایان بود، نیست، اما شناور و مطلق نیز نمی‌تواند باشد. متن و خوانش متن، محصول همین دیالکتیک بین گرایش به ایستایی ناشی از قرار گرفتن در قاب‌های تنظیم‌کننده گفتمانی و میل به گریز و بازیگوشی نشانه‌ها است. این نظام قاب‌ها و شبکه لایه‌ها پیوسته دگرگون شونده میل به گریز و به عبارتی پیدایشی هستند (سجودی، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

بنابراین رویکرد مقبول در بررسی بازار ایرانی می‌تواند بهره‌مندی از روش چهارم باشد، چراکه این متن به مثابه یک مقوله فرهنگی و به واسطه پیچیدگی‌هایش نمی‌تواند در قالب رویکردهای اول و دوم بررسی شود. همچنین رویکرد سوم نیز بدون توجه به لنگرها و قاب‌های گفتمانی که دایره شناوری لایه‌های معنا را به ثبات می‌کشد، کاربردی نخواهد بود. نشانه‌شناسی لایه‌ای به عنوان یکی از مصادیق رویکرد چهارم در این پژوهش، به عنوان چارچوبی تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نشانه‌شناسی کاربردی که در ابتدا توسط ماکاروفسکی مطرح گردید در ایران توسط دکتر فرزانه سجودی با تغییراتی به صورت نشانه‌شناسی لایه‌ای مطرح گردید. سجودی بر اساس نشانه‌شناسی لایه‌ای، به بررسی Fountain می‌پردازد که در نوع خود بی نظیر است. وی لایه‌های متنی، بافت، بینامتن، رمزگان، و رسانه‌ها را مطرح می‌کند. بی تردید نشانه‌شناسی لایه‌ای با توجه به ماهیت آن می‌تواند در نشانه‌شناسی معماری اثرگذار باشد. همچنین می‌تواند در ادبیات پژوهشی معماری دستاوردهایی را داشته باشد، زیرا تاکنون تحلیل ادبیات نشانه‌شناسی متکی بر زبان بوده است. نشانه‌شناسی لایه‌ای زمینه تحلیل گسترده متون را در بستر رابطه تعاملی و چند سویه بین نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالتی را به وجود می‌آورد، فراهم می‌سازد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد، امکان استفاده از آن در متون چندرسانه‌ای است. از آنجاکه همه ارتباطات اجتماعی و انسانی از نوع چندرسانه‌ای هستند، معماری و وجوه آن نیز متونی با چنین ویژگی‌هایی هستند. بنابراین از دید این رویکرد، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید و متن حاصل هم‌نشینی بین رمزگان نیست (اکو در تعریف متن، آن را حاصل هم‌نشینی رمزگان‌های بسیار می‌داند، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌هایی است

که هر یک بر اساس انتخاب از آن رمزگان در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. به عبارتی متن مفهومی تکریری است، هر لایه متنی خود متنی است که در کنش متقابل با لایه‌های متنی دیگر دامنه متن بودگی خود را گسترش می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۹). بنابراین متن شبکه‌ای باز است که از لایه‌های مختلف که خود نمود رمزگان‌های متفاوت هستند، شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت این است که لایه‌های متنی در متن، خود دارای سازمان درونی و بیرونی هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بنابراین برای بررسی عوامل مؤثر بر خوانش بازار ایرانی به مثابه یک متن و به عنوان برشی از شهر با چارچوب نشانه‌شناسی لایه‌ای، باید لایه‌های متنی آن شناسایی و نمود عینی شبکه رمزگان در یک کنش ارتباطی مشخص شود.

۵- ارائه یافته‌ها و رویکرد منتخب

۵-۱ رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای (پیدایشی)

۵-۱-۱ نشانه به مثابه متن؛ بازیابی مفهوم نشانه

نشانه مفهومی تحلیلی است و تحلیلگر ابتدا با متن

جدول ۵. رویکردهای مختلف روش نشانه‌شناسی؛ منبع: نگارندگان.

ویژگی‌ها	مهم‌ترین نظریه پرداز	رویکرد
روشی تک نشانه‌ای است. این رویکرد تقلیل‌گرا و جهانی است. در این رویکرد نشانه در یک نظام و روابطی سلبی است.		پوزیتیویستی
تکیه بر رابطه خطی دال و مدلول	سوسور، یلمسلو، یاکوبسن	ساخت‌گرا
تأکید بر وفور معنا، عدم قطعیت، معنا بیرون بودن از اراده‌ی اذهان و نیت سوژه‌هاست	پیرس، موریس، بارت متأخر، دریدا	پساساخت‌گرا
روابط بین لایه‌ها نه منجمد و تقلیل پذیر و نه شناور است.	سجودی	پیدایشی

روبرو می‌شود و سپس برای تحلیل متن ممکن است به ابزاری به نام «نشانه» و چگونگی هم‌نشینی آن با نشانه‌های دیگر در نظام‌های نشانه‌ای دیگر متوسل شود. متن نه حاصل هم‌نشینی بین رمزگان‌ها، بلکه حاصل هم‌نشینی بین لایه‌هایی است که هریک بر اساس انتخاب از آن رمزگان‌ها درکنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. متن پدیده‌ای فیزیکی است، اما قطعی نیست. متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده است که هریک خود نمود عینی و متنی یک نظام رمزگانی‌اند.

۱-۱-۱-۵ بازار به مثابه متن

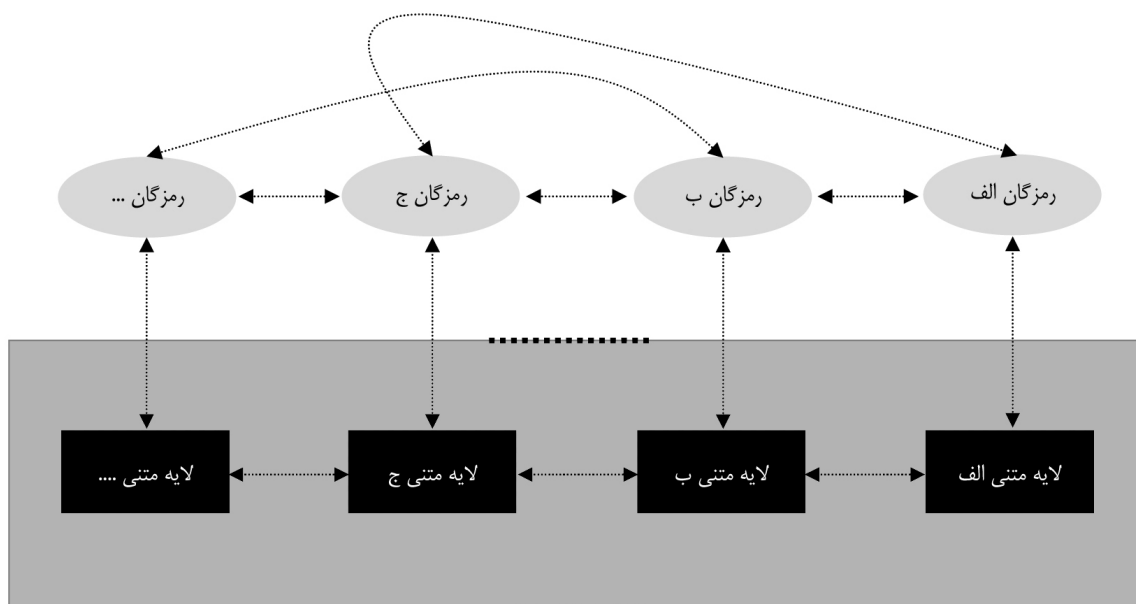
متن قبل از آنکه محصول آفرینش فردی مؤلف باشد، نتیجه عملکرد پیچیده شبکه رمزگان‌های فرهنگی است که هم وجه در زمانی دارند و هم وجه زمانی. همچنین یک متن نتیجه روابط بینامتنی است و یک هسته بسته واحد ندارند. بنابراین در فهم نشانه شناختی، از یک زبان و یک نظم برای هر ساختار استفاده می‌شود که به واسطه این زبان، بین کسانی که رمزگان یا کدهای آن زبان را پذیرفته‌اند، ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. «بناهای معماری در مقیاس کوچک‌تر و شهر در مقیاس بزرگ‌تر همین نظم، نظام و ساختار را به نمایش می‌گذارند» (نجومیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۱).

بنابراین با نظر به اینکه بازار به مثابه یک متن است و با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، لایه‌های متنی آن باید شناسایی شود. متن، نمود عینی رمزگان در یک

کنش ارتباطی است. با توجه به مشخصه‌های بازار ایرانی، لایه‌های متنی آن، نمود عینی رمزگان‌های «فضایی و غیر فضایی» است. نکته قابل توجه این است که در خصوص لایه‌های متنی و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر، برخی لایه‌ها و حتی گاهی یک لایه نسبت به لایه‌های دیگر اصلی‌تر تلقی می‌شود. به گونه‌ای که بارت از مفهوم لنگر ۱ برای لایه‌های اصلی‌تر بهره می‌گیرد.

بنابراین در «لایه متنی بازار ایرانی» با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای، برخی از عناصر می‌توانند حکم لنگری تثبیت‌کننده را بازی کنند و جلوی شناوری نشانه‌های متنی را بگیرند. بنابراین شناسایی لایه اصلی در میان سایر لایه‌های مورد شناسایی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی این موضوع از این حیث قابل توجه است که در تعریف متن در نشانه‌شناسی لایه‌ای، لایه‌های متنی بر هم تأثیرگذارند و هریک انتظاراتی را از لایه دیگر به وجود می‌آورند که در صورت برآورده نشدن آن انتظارات، ساخت‌هایی شکل می‌گیرد که دریافت را با تعلیق همراه و تفسیرپذیری را متکثر می‌کند و یک گسست قابل ملاحظه در هویت و معنا اتفاق می‌افتد. بنابراین می‌توان بادانش نشانه‌شناسی در بازار سنتی، مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد معنا را تبیین نمود. لذا شناخت نشانه‌ها و رمزگان بازار ایرانی در القای حس مکان و تعلق به مکان در جهت ایجاد مؤلفه‌های معنا در محیط

1. Anchorage



نمودار ۸. تصویر کلی از یک متن؛ مأخذ: سجودی، ۱۳۹۳.

مفهوم	ویژگی‌های مورد توجه	نمونه واژه
کالبدی	اندازه و مقیاس	بازارچه، بازار گاه، بازار گه، تیمچه، راسته، رسته، سوق، میدان، قیصریه، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه، حجره
کاربردی	محل خرید و فروش کالا؛ اشاره به محصول عرضه شده در بازار	معامله، خرید و فروش، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه بازار مسگرها، بازار اسب، بازار مرغ، بازار صحافها
معنوی	نیرنگ، فریب، پیشامد، ماجرا، بهانه، بیهودگی، مجازاً ارزش و اعتبار، شلوغی و ازدحام، بی‌نظمی، بی‌حسابی و بی‌ترتیبی، رونق داشتن، لاف زدن، رفتار، روش	بازار آراستن، بازار امکان و بازار جهان، بازار برچیدن، بازار تبه شدن، تیره بازار، بازار تیز و گرم، میانجی دیدن بازار کسی را، تیزبازار، بازار ساختن، بازارشام، شاداب بازار، بازار کاسد، بازار کسی برافروختن، برسر بازار بودن، بازار کسی را تیره کردن، کسی را با دیگری بازار بودن، روز بازار کسی بودن، خربازار، دزدبازار، شلوغ بازار، مست بازار، بازار ناروا شدن، بازار گرم داشتن
کیفی	جنبه‌هایی مانند کیفیت محیط و جنس کالاهای عرضه شده	قیصریه، تیمچه، سرا، دکان
موقعیت زمانی و مکانی	با توجه به زمان و موقعیت مکانی بازار، نام بازار از آن‌ها گرفته شده است	بازار مکاره، جمعه‌بازار، شنبه‌بازار، دوشنبه‌بازار، بازار بزرگ، بازارچه بلند، بازار تهران

فرآیندهای فرهنگی می‌پردازند، با اشیاء یا کنش‌هایی که برای اعضای گروه‌های فرهنگی معنادارند به عنوان نشانه برخورد می‌کنند، و به دنبال درک نقش‌ها یا قراردادهای فرآیند تولید معنا در فرهنگ می‌باشند. رمزگان صرفاً با «قراردادهای ارتباطی» برابر نیستند؛ بلکه عبارت از نظام‌هایی رویه‌ای از قراردادهای مناسبی که در قلمروهای خاص خود عمل می‌کنند. نشانه شناسان به دنبال درک رمزگان و قواعد ضمنی و محدودیت‌هایی هستند که در فرآیند تولید و تفسیر معنای هر رمز وجود دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲).

۱-۳-۱-۵ انواع رمزگان

نشانه شناسان به دنبال درک رمزگان و قواعد ضمنی و محدودیت‌هایی هستند که در فرآیند تولید و تفسیر معنای هر رمز وجود دارد. آن‌ها دریافتند که تقسیم نشانه‌ها در گروه‌های مختلف می‌تواند مفید باشد. «انواع رمزگان ممکن است باهم تداخل داشته و شامل هم باشند و تحلیل نشانه شناختی هر متن شامل در نظر گرفتن چندین رمزگان و روابط میان آن‌هاست» (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). بر این اساس چندلر سه دسته از

امری ضروری است؛ تا بتوان با بازآفرینی نظام بازارهای ایرانی، در پاسخ به نیازهای انسانی در فضاهای معاصر به دستاوردهای عملی دست یافت.

۱-۳-۲-۵ رمزگان و انواع آن

مفهوم «رمز» در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. درواقع نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست، نشانه نامید. به علاوه اگر رابطه میان دال و مدلول را اختیاری فرض کنیم، آنگاه روشن است که تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها، مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادهای و هنجارها است. رمزگان، نشانه‌ها را به «نظام‌های معنادار» تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌گردد. تولید و تفسیر متون به وجود رمزگان یا قراردادهای ارتباطی بستگی دارد. بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. قراردادهای رمزگان نشانگر بعدی اجتماعی در نشانه‌شناسی هستند. وقتی نشانه شناسان به مطالعه



نمودار ۹. لایه های پنهان حس مکان به بازار، مأخذ: عباسی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳.

رمزگان های کلی را شناسایی می کند. رمزگان های مربوط به رسانه ها، ارتباط و مطالعات فرهنگی. بر این اساس رمزگان شناخته شده توسط چندلر به ترتیب زیر است:

۱. رمزگان اجتماعی
۲. رمزگان متنی
۳. رمزگان تفسیری

بنابراین جهت پرداختن به نشانه شناسی بازار با رویکرد

نظام نشانه شناسی لایه ای، یافتن چگونگی تفسیر و روند رمزگشایی مورد توجه است. در «نشانه شناسی بازار ایرانی» در رمزگشایی از نشانه های لایه ای به عنوان رمزگان های شناخت، باید به تحلیل پرداخت. پرداختن به نشانه شناسی بازار در قالب مناسب معنایی (رمزگان معنایی در قالب لایه های معنا، بازی دال ها، دلالت های مستقیم و ضمنی، زمان، لایه اجتماعی و فرهنگی)؛ مناسب نحوی (رمزگان های نحوی

در قالب صورت، معنا، اندازه و تناسب، بعد، مقیاس، نور و لایه‌های کالبدی، کاربردی و محیطی) صورت می‌گیرد.

۲-۵ ساختار و نشاننداری^۱ سلسله مراتبی

متن شبکه‌ای باز است از لایه‌های متنی متفاوت که خود حاصل رمزگان‌های متفاوت‌اند. به گونه‌ای که این لایه‌ها هم دارای سازمان درونی هستند و هم سازمان بیرونی، و بر اساس روابط و نظم بخصوصی شکل می‌گیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به عبارتی متن مفهومی تکریری است. هر لایه متنی خود متنی است که درکنش متقابل با لایه‌های متنی دیگر دامنه متن بودگی خود را گسترش می‌دهد و این روند باز و بی‌پایان است و با توجه به اینکه گفته شد «نشانه به مثابه‌ی متن» است، بر همین اساس، نشانه نیز مفهومی تکریری است و دارای ساختاری سلسله مراتبی است. بنابراین بررسی ساختار سلسله مراتبی در بررسی «بازار ایرانی با رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای»، بیش از پیش خودنمایی می‌کند. می‌توان گفت که بازار ایرانی به عنوان متن، خود دارای سلسله مراتب درونی است که همان لایه‌های متنی شکل دهنده آن است و این ساختار دارای سلسله مراتبی مشتمل بر ارزش‌های سطوح تراز بالا، سطوح تراز متوسط، سطوح تراز پایین است. درواقع در بررسی ارتباط بین لایه‌های متنی بازار ایرانی، می‌توان به «رابطه نشاننداری» توجه نمود که به صورت سلسله مراتبی از بی‌نشان‌ترین سطوح تا سطوح پایین نشاننداری را شامل می‌شود.

۶- بافت^۲، بافت سازی و بافت‌زدایی بازار ایرانی

بافت یک رابطه است که بین لایه‌های متنی ممکن

۱.. مفهوم نشاننداری توسط یاکوبسن ابداع شد و در مورد قطب‌های یک تقابل جانشینی (مانند مذکر - مؤنث) به کار می‌رود (چندلر، ۱۳۸۶) دال‌های زوج در اینجا (داشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نداشتن این ویژگی‌ها) شامل یک صورت نشاندار (داشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی) و یک صورت بی‌نشان (نداشتن ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی) است.

۲.. مفهومی از بافت که در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای مورد توجه است، مفهوم ذهنی است که میان لایه‌های متنی وجود دارد. هرچند این مفهوم در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای با سایر رویکردهای مورد استفاده در نشانه‌شناسی متفاوت است. در بررسی مقوله بافت در طراحی شهری و معماری می‌توان از ابعاد ذهنی و عینی آن نام برد. منظور از بافت، زمین‌های است که یک متن یا یک نشانه در آن قرار دارد که می‌تواند مشتمل بر ابعاد کالبدی و یا ابعاد اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و از این دست باشد.

است برقرار باشد، یا به نظر برسد که برقرار نیست. بنابراین بافت واقعیتی فیزیکی نیست، بلکه رابطه‌ای است که بین لایه‌های متنی برقرار است. به عبارتی نشانه‌ها، یا لایه‌های متنی ممکن است در جهت انتظارات پیشین ما را بر هم بزنند که در آن صورت ظاهراً در رابطه‌ای بافت را نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند. باید اذعان کرد که فرآیند بافت سازی و بافت‌زدایی، نیز فرآیندی پیوستاری و سلسله مراتبی است. بنابراین در بررسی بازار ایرانی این فرآیند مورد توجه هست؛ به گونه‌ای که می‌توان با شناسایی عوامل بافت‌ساز یا بافت زدا، عوامل همسویا متقابل را شناسایی نمود؛ و این بدان معنا است که عدم حمایت‌گری مناسب لایه‌ها از یکدیگر و همچنین عدم پیوستگی میان لایه‌ها در بازار ایرانی، به بافت‌زدایی منجر خواهد شد.

۷- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نشانه‌شناسی رویکردی به معناشناسی است. اگرچه رویکردهای متفاوتی در معناشناسی وجود دارد، اما آنچه حائز اهمیت است، آن است که نشانه‌شناسی رویکردی است که به تمام موضوعات در حیطه شناخت، به چشم نشانه‌ای می‌نگرد که حاوی رمز و پیام است. درواقع اگر بخواهیم معماری بازار ایرانی را به مثابه یکی از پیچیده‌ترین مقوله‌هایی که در معماری و شهرسازی ما جاری است، شناسایی کنیم، نیاز به راه و روشی نو داریم. رویکرد نشانه‌شناسی می‌تواند این خوانش را برای ما فراهم سازد. در واقع با این رویکرد، مخاطب در مواجهه با متن (بازار ایرانی) به عنوان تاولگر، از طریق بازی نشانه‌های موجود در متن به لایه‌های متعدد رمزگانی که درواقع رمزگان‌های لایه‌ای نشانه‌شناسی معماری می‌باشند، رجوع می‌کند و با اتکا به خصوصیات و اشارات مستقیم و دلالت‌های غیرمستقیم و ترفندهای بلاغی، طرح را مورد خوانش قرار می‌دهد. بنابراین شناسایی لایه‌ها و رمزگان با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای در بازار ایرانی می‌تواند، نشانه‌های موجود در متن (بازار ایرانی) را به ما شناسایی نماید. در لایه متنی بازار ایرانی با توجه به رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای برخی از عناصر می‌توانند حکم لنگری تثبیت‌کننده را بازی کنند و جلوی شناوری نشانه‌های متنی را بگیرند. بنابراین شناسایی لایه اصلی در میان سایر لایه‌های مورد شناسایی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی این موضوع از این حیث قابل توجه است که در تعریف متن در نشانه‌شناسی لایه‌ای، لایه‌های متنی بر هم تأثیرگذارند

- و هریک انتظاراتی را از لایه دیگر به وجود می آورند که در صورت برآورده نشدن آن انتظارات، ساخت‌هایی شکل می‌گیرد که دریافت را با تعلیق همراه و تفسیرپذیری را متکثر می‌کند و یک گسست فراوان در هویت و معنا اتفاق می‌افتد.
- منابع و مآخذ**
- احمدی، بابک (۱۳۹۳) ساختار و تأویل متن، چاپ چهاردهم، نشر مرکز، تهران.
 - اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، نشر ثالث، تهران.
 - چندلر، دانیل، (۱۳۸۷) مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا زیر نظر فرزانه سجودی، انتشارات سوره مهر، تهران.
 - دباغ، امیر مسعود و مصطفی مختاباد امرئی (۱۳۹۰) تأویل معماری پسامردن از منظر نشانه‌شناسی، هویت شهر، شماره ۹.
 - روشن، محبوبه و شیبانی (۱۳۹۴) نشانه‌شناسی و معنایابی مفاهیم عرفان شناختی در معماری و شهرسازی با تلفیق عرفان اسلامی و رمزگانِ امبرثوآگو، موردپژوهی: معماری صفوی مکتب اصفهان، مدیریت شهری، شماره ۳۸.
 - سجودی، فرزاد، (۱۳۸۳)، نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل متن هنری، مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر.
 - سجودی، فرزاد، (۱۳۹۳)، نشانه‌شناسی کاربردی، انتشارات علم، تهران.
 - سوسور، فردینان (۱۳۸۷)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، انتشارات هرمس.
 - شکرخواه، ی، (۱۳۸۱)، نشانه‌شناسان ساختارگرا، مجله گلستانه، شماره ۳۹.
 - عباسی، زهرا و فرح حبیب (۱۳۹۴) تحلیل انگاره‌های محیطی موثر بر مولفه معنا در بازار سنتی ایرانی؛ نمونه موردی: مقایسه تطبیقی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه کاشان، مدیریت شهری، شماره ۴۰.
 - غفاری، علیرضا، (۱۳۹۴)، پایان‌نامه دکتری با عنوان تحلیل ساختار شکل در معماری ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
 - غفاری، علیرضا، (۱۳۹۵)، بازتاب نظریه‌های نشانه‌شناسی در خوانش معماری و شهر، نشریه علمی و پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۴۵، ص ۳۴۱
 - قائمی‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۱)، مبانی طراحی شهری، مجله دین، شماره ۱۸۳.
 - گیرو، پی‌یر، (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ سوم، نشر آگاه.
 - ماجدی، حمید و زهراالاسادات زرابادی (۱۳۸۹) جستاری در نشانه‌شناسی شهری، هویت شهر، شماره ۴.
 - نجومیان، امیر علی، (۱۳۹۴)، نشانه در آستانه فرهنگ نشر نو.
 - نجومیان، امیر علی، (۱۳۹۴)، هزارتوی شهر در هزارتوی متن، مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران. فرهنگستان هنر ۲۲۱-۲۱۳
 - Chandler, Daniel, (2009), Semiotics for Beginners; www.Aber.ac.uk.media/documents
 - Eco, Umberto (1979), A theory of Semiotics, Indiana University Press Bloomington, Indiana, USA
 - Martin & Ringham, (2000), Dictionary of Semiotics, Cassell, London & New York